

دکترین امنیت ملی چین پس از جنگ سرد*

نویسنده: سوارن سینک

مترجم: مریم ملا نظر

چکیده

پس از جنگ سرد چین در معرض هیچ گونه تهدید خارجی قرار ندارد و این امر فرصت مناسبی را برای اجرای برنامه‌های مهم نوین سازی این کشور فراهم کرده است. در اینجا توان اقتصادی به عنوان بخش مهمی از تفکر امنیت ملی چین ارزیابی شده است. چین به اندازه‌ای نیروی نظامی خود را تقویت کرده که انتظار می‌رود در صورت بروز جنگ بین آمریکا و چین در بیست و پنج سال آینده، این کشور آمریکا را شکست دهد و از اینرو چین به عنوان یک قدرت نظامی و اقتصادی بزرگ قرن بیست و یکم مطرح است. در نتیجه، این کشور در پنجاه سال آینده تنها با چالشهای مرزی یا جنگ محدود روبرو خواهد بود.



مقدمه مترجم

چین در نظام بین‌المللی نوین یکی از کشورهایی است که اهمیت و جایگاهی ویژه دارد به گونه‌ای که با پیگیری سیاستهای مستقل و با توجه به قدرت نظامی خود، توان تأثیرگذاری زیادی بر مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را داراست. این کشور بویژه نقشی محوری و کلیدی در مسائل آسیا دارد تا جایی که می‌توان گفت درک و تحلیل سیستمهای منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن این عامل قدرتمند بی‌معناست.

با توجه به تحولات نظام بین‌المللی و فروپاشی شوروی، امروز چین یکی از مقتدرترین

* Swaran Singh, "China's Post-Cold war National Security Doctrine", *Strategic Analysis* (April 1995), pp.45-60.

نیروهای مسلح دنیا را در اختیار دارد و از کشورهای آسیایی است که طرح‌های آمریکا برای ایجاد نظم نوین جهانی را زیر سؤال برده است. درک میزان این توان و دیدگاه چینها در مورد نقش و جایگاه نیروهای مسلح و نیز دکترین و استراتژی نظامی چین می‌تواند نمونه مطالعاتی مفیدی در عرصه مسائل نظامی - استراتژیک معاصر و در جهت فهم بهتر مسائل استراتژیک فر اهم آورد. این مقاله ضمن بیان این مسائل، سیر تحول دکترین امنیت ملی چین را نیز طرح می‌کند. شایان ذکر است با توجه به اینکه این مقاله تا حدود زیادی منعکس کننده دیدگاه‌های هند در مورد چین است (که روابط چندان دوستانه‌ای هم با چینیان دارند) بر بعضی مسائل همانند طرح‌های چین برای آسیای جنوب شرقی تأکید بیشتر داشته است.



«...اوج هنر جنگ و درایت، به دست آوردن صد پیروزی در صد نبرد، نیست، کسانی در هنر جنگ، ماهر و استادند که ارتشهای دشمن را بدون جنگ به تسلیم وادار می‌کنند.» - سون تزو جمهوری خلق چین تنها کشوری است که حتی در زمانی که دیگر قدرتهای هسته‌ای آزمایش هسته‌ای خود را از ژانویه ۱۹۹۲ به حالت تعلیق در آورده بودند، به انجام آزمایشهای هسته‌ای خود ادامه داده است. همچنین این کشور تنها قدرت هسته‌ای است که پس از جنگ سرد، هدفگیری دیگر کشورهای دارنده جنگ افزار هسته‌ای را با کلاهکهای هسته‌ای خود تداوم بخشیده است. برخلاف گرایشهای عمومی پس از جنگ سرد نسبت به خلع سلاح، رهبری چین نه تنها پیش شرطهای خود برای پذیرش کاهش تسلیحات را دشوارتر کرده، بلکه سرعت نوین سازی نظامی دهساله کشور را پرشتابتر کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که چین به عنوان قدرت نظامی بزرگ قرن آینده پدیدار شود.

گرایش و اشتیاق دوباره چین برای تأمین سیستمهای جنگ افزار پیچیده از روسیه، که به لحاظ پولی در تنگناست، همکاری نظامی - تکنولوژیکی نوین رشد یابنده آن با آمریکا در خلال دهه ۱۹۹۰، به موضعگیری ضد سلطه چین در دوران جنگ سرد پایان بخشیده است. رهبری نوین قدرتمندتر، مدعی، و برون‌نگر در حال پیدایش چین، که مدتها با آمیزش بسیار طولانی «جنگ مردمی در وضعیت پیشرفته که مایل است به جای روشن کردن تغییرات

جاری، آنها را مبهم سازد»^(۱)، زیسته است، در آستانه‌ ارائه دکترین امنیت ملی نوین پس از دنگ شیائوپینگ است. زیر موجهای این تغییر را می‌توان در طرحهایی یافت که جانشینان احتمالی دنگ اجرا می‌کنند؛ آنهایی که آشکارا برای به حکومت رسیدن در چین رقابت می‌کنند.

اندیشه‌هایی درباره‌ جانشینی

طرح اندیشه‌هایی درباره‌ جانشینی پس از دنگ بتازگی به عنوان مباحث مطلوب در میان ناظران چینی پدیدار شده است. اما آنچه بویژه مبهم و پیچیده بوده، جدیت رهبری چین در آمادگی خود است؛ گویی که در انتظار بحرانهای سخت امنیت ملی پس از مرگ دنگ شیائوپینگ است. گذشته از تصویب قوانین مربوط و آموزش نیروها برای رویارویی با بحران، تأکید بر ضرورت القای تدریجی وطن پرستی و نظم در کادرهای سیاسی - نظامی کشور به طور ناگهانی در تمامی اعلامیه‌های رسمی عمومی به عنوان مهمترین دستورکار پدیدار شده است؛ برای نمونه، «ساختن حزب» موضوع محوری «تصمیم» چهارمین جلسه عمومی چهاردهمین کنگره ملی خلق چین بود.

این ملاحظه افراطی ممکن است تا اندازه‌ای واقعی باشد زیرا جانشین پس از دنگ با صلح و امنیت دست کم یک چهارم نسل انسان رابطه‌ای مستقیم دارد. البته تعبیر دقیقتری نیز برای آن وجود دارد. به طور سنتی، از سال ۱۹۴۹ هرگاه چین به طور گسترده با بی‌ثباتیهای سیاسی داخلی روبرو بوده است، همانند امروز، گروه‌های متفاوت حزب کمونیست چین اغلب با پیشبرد دیدگاههای متمایز خود در زمینه مسایل امنیت ملی به عنوان توجیه منازعه خود، برای کسب برتری در کشمکش بوده‌اند.^(۲)

پس از مرگ مائو سالهای طولانی اغتشاش و بی‌نظمی وجود داشت که کشور تحت تسلط

1- Paul H. Godwin, "Peoples War revised: Military doctrine strategy, and operations", in Charles D. Lovejoy Jr. and Bruce W. Watson, ed., *China's Military Reforms*, (Westview Press, London), 1986, p.1.

2- Alfred D. Wilhelm Jr., "National security- The Chinese perspective" in Alepas Johnson, *China's Policy For the Next Decade*, (Delgeschlager, Gunn & Hain Publishers Inc., Boston, 1984), p. 183.

افراطی‌هایی موسوم به گروه «چهارنفره»* و پس از آن هواگ هوفنک رهبر میانه رو، و سپس دنگ شیائوپینگ اصلاح طلب بود که رژیم سیاسی خود را تثبیت کرد و جرأت یافت که اندیشه‌های افراطی خود را در زمینه برقراری ارتباط چین با دیگر کشورها و دیگر اصلاحات اقتصادی به طور رسمی مطرح کند. پس از بحران تیان آن من** در سال ۱۹۸۹، دنگ خود به تصفیه‌هویائوبنگ*** و زائوزیانگ**** پرداخت که آنها را در گذشته، به عنوان جانشینان خود تعیین کرده بود، اما به نظر نمی‌رسد که دنگ اکنون در چنان موضع قدرتمندی باشد که بتواند عمل همانندی را سازمان دهد.^(۱)

در ضمن، دست کم بیش از ۶ رهبر همچنان بر این کشور حاکمیت دارند. هر چند بر اساس گزارش‌های غرب، جی یانگ زمین**** رئیس جمهور، رئیس کمیسیون نظامی مرکزی، و دبیرکل حزب کمونیست - به عنوان نیرومندترین مرکز قدرت در چین معاصر آشکارا مطرح شده است. در ظاهر، گذشته از رقیبان جی یانگ زمین، بزرگترین محدودیت او پذیرش او از سوی رهبری ارتش آزادیخواه خلق است که نقشی قاطع در سیاست‌های جانشینی دنگ دارد.^(۲) اما دیگر رهبران برجسته مانند لی پنگ***** نخست وزیر، و سلطان اقتصاد چین، قائم مقام ارشد نخست وزیری زورانگ جی*****، نیز سابقه خدمت یا فرماندهی در نیروهای نظامی چین نداشته‌اند. بنابراین، همان گونه که چین شناسان در سراسر جهان درباره شکل دکترین امنیت ملی چین پس از جنگ سرد بحث می‌کنند، حتی روشن نیست که آیا این رهبران غیر نظامی یا رهبران نظامی برخوردار از نفوذ و قدرت فزاینده هستند که مغز متفکر پشت طرح‌های آینده چین خواهند بود یا خیر.^(۳) برای نمونه در میان

* Gang of Four

** Tian an men

*** Huyaobang

**** Zhao Zhiyang

1- Lincoln Kaye, "China: The mantle slips", *Far Eastern Economic Review*, March 2, 1995, p.14.

***** Jiang Zemin

2- *Summary of World Broadcasts Pt. 3-Asia- Pacific*, November 12, 1994, p.G1.

***** Lipeng

***** Zhu Rongji

3- Patrick E. Tyler, "China's nuclear puzzle: First, who's the target?", *International Herald Tribune*,

رهبران نظامی، دریا سالار لیو هواکینگ* و ژنرال زانگ زن** به عنوان دو شخصیت ملی بر جسته آشکار مطرح شده که بر مسند نفوذ جانشینی سیاسی چین باهر منازعه قدرت دیگری، که ممکن است ناشی از مرگ دنگ باشد، جای گرفته اند.^(۱)

پس نخست اینکه رهبرانی که امروز در صحنه پدیدار می شوند به طور الزامی ممکن است پایدار نباشند. دوم اینکه احترام و تجلیل بیش از اندازه آنها نسبت به دنگ شیائوپینگ - آنها درباره حفظ راه‌های او در ۱۰۰ سال دیگر صحبت می‌کنند - شاید تنها جزیی از واقعیت باشد؛ برای نمونه، سخنرانیهای ارائه شده به مناسبت سالگرد انقلاب چین در اول اکتبر یا در چهارمین جلسه عمومی چهاردهمین کنگره ملی خلق، که در نیمه اکتبر ۱۹۹۴ برگزار شد، اگرچه با دستورات کلی کمونیست تطابق کامل داشت، بر مسائلی همچون فساد و ضرورت اتحاد و نظم در میان کادرهای نظامی - سیاسی کشور، اشارات زیادی شده بود، و بارها پیشنهادها و جسورانه‌ای درباره ضرورت احیای عادات و رسوم در حال تضعیف میهن پرستی کشور و اصلاح ساختارهای امنیت ملی تکرار گردید.

همچنین موفقیت در حال شکوفایی برنامه «نوین سازی چهار» چین و پایان دوران جنگ سرد اکنون یک سناریوی مطلوب را برای رهبری نوین این کشور پس از انقلاب - که دیگر با دکترینهای دفاعی مائو، حاصل «جنگ مردمی» دهه ۱۹۳۰ اقناع نمی‌شود - به منظور تجربه نهایی آنها و اجرای اندیشه‌های نوین فراهم می‌کند. اما این کشور در حالی که خود را برای رویارویی با بحران مرگ دنگ شیائوپینگ آماده می‌کند، اگرچه اندیشه‌های گوناگونی مطرح شده، تا کنون هیچ دکترین امنیت ملی روشنی اعلام نگردیده است.

محیط استراتژیکی نوین

محیط استراتژیکی پس از جنگ سرد برای جمهوری خلق چین از جنبه‌های مختلف، موهبت بوده است. به لحاظ امنیت ملی، چین برای نخستین بار در طول بیش از صد سال در معرض هیچ گونه تهدید خارجی عمده‌ای قرار ندارد.^(۲) نظر به اینکه رهبری چین انتظار

October 27, 1994.

* Liu Huaqing

** Zhang Zhen

1- Patrick E. Tyler, "Beijing's two enduring officers", *Times of India*, December 10, 1994.

2- Ralph A. Crossa, "The PRC's national security objectives in the post- Cold War era and the role of the

(هیچ گونه) تجاوز مهمی را علیه این کشور برای دست کم پنجاه سال آینده ندارد، برای اجرای برنامه‌های بلند پروازانه‌ترین سازی داخلی در زمینه‌های اساسی صنعت و علم و تکنولوژی، اطمینان ایجاد شده است؛ پس شگفت آور نیست که امروز حفظ این محیط بین‌المللی با ثبات و قدرتمندتر کردن چین برای ضرورت‌های آینده در قرن بیست و یکم، هدف اصلی امنیت ملی جمهوری خلق چین شده است.

دوم اینکه فروپاشی اتحاد شوروی سابق، گذشته از رفع یک تهدید همه جانبه و ایجاد یک محیط با ثبات به الگوی رقابتی اصلاحات سبک شوروی نیز پایان بخشیده است. در گذشته نه چندان دور، مقامات آمریکایی، چین را برای پیگیری الگوی گورباچف، موسوم به اصلاح سیاسی (گلاسنوس) همراه با بازسازی اقتصادی (پرسترویکا) تحت فشار قرار می‌دادند در حالی که الگوی دنگ شیائوپینگ مبنی بر «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» بر «اصلاحات سیاسی همراه با ثبات سیاسی» تأکید داشت. امروز با واژگون شدن نقشها متخصصان چینی در زمینه سرمایه‌داری و اصلاحات به روسیه می‌روند تا مهارت‌های کارگشایی برای بهره‌برداری از منابع خود را به آنها انتقال دهند و کالاهای مصرفی و خدمات را در خاور دور روسیه ایجاد کنند.^(۱) این تغییر سرنوشت با توجه به واقعیت‌های در حال تغییر چین در جهان پس از جنگ سرد، اهمیت قاطعی می‌یابد که قدرت اقتصادی کشور، مهمترین عامل قدرت ملی فراگیر آن شده است. در واقع، این موفقیت در حال شکوفایی اصلاحات اقتصادی دنگ به تنهایی، نیروی عمده پشتیبان منازعه کلی چین برای تعریف دوباره دکترین امنیت ملی خود است.

فروپاشی ناگهانی حکومت‌های کمونیستی در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق نیز ضربه‌ای اساسی از نظر روانی و سیاسی برای رهبری چین بوده است. از این گذشته، چین دیگر از امتیاز استراتژیک متوازن کننده در جهان دو قطبی بسیار «قابل پیش بینی» دو ابر قدرت برخوردار نیست،^(۲) اما عواملی مانند جنگ افزار هسته‌ای یا تصورات سیاسی، اهمیت

PLA", *Issues & Studies*, September, 1994, p.3.

1- Ibid., p.4.

2- A.Z. Hilali, "China: Geo-political environment and security perceptions", *China Report*, Vol.30, No.3, July-September, 1994, p.326.

متعارف خود را از دست نداده است. با توجه به تاریخ توسعه طلبی روسیه، زرادخانه بزرگ هسته‌ای و دیگر توانمندیهای آن، کنار گذاشتن دکترین «پیشدستی نکردن در استفاده از سلاح هسته‌ای»^{*} شوروی سابق و گرایش نوین آن در چارچوب دکترین نظامی تازه «خارج نزدیک» آن،^{**} رهبری چین یک استراتژی دو منظوره را تعیین کرده است تا قدرت ملی فراگیر مبتنی بر اقتصاد و علم را برای پاسخ به احتمالات آینده ایجاد کند و در ضمن، برای بهبود روابط با کشورهای همسایه و دیگر قدرتهای بزرگ، دیپلماسی را در اولویت نخست قرار داده است. اکنون که روابط چین با مغولستان و جمهوریهای قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در آسیای مرکزی بهبود یافته است در صورت بروز هر گونه تضادی بین چین و روسیه. این کشورها بیشتر به عنوان مناطق حائل استراتژیکی عمل می‌کنند تا پایگاه‌های خط مقدم برای ارتش روسیه. چین حتی روابط خود را با روسیه به طور جدی بهبود بخشیده است و دو کشور می‌خواهند منطقه‌ای غیر نظامی به پهنای ۱۰۰ متر در دوسوی مرز چین - شوروی ایجاد کنند.

با این سناریو و قدرت پایه‌ای نوین، تفکر استراتژیکی دفاعی و «قاره‌ای» اساسی چین در دوران جنگ سرد، جای خود را به مواضع سیاسی به طور فزاینده برون نگر و مدعی رهبری نوین در حال پیدایش داده است. اکنون که روابط با کشورهایمانند روسیه، هند، ویتنام، - که دشمنان سرسخت چین در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بودند - بهبود یافته، اکنون تفکر استراتژیکی چین نیز به سوی تقویت روابط اقتصادی و نمایش قدرت نظامی در جنوب شرق آسیای همواره فعال، تغییر کرده است. برای نمونه در دریای جنوب چین، امروز پکن ادعای حق حاکمیت بر سه میلیون کیلومتر مربع قلمرو دریایی از منطقه اقتصادی انحصاری خود تا ۱۶۰۰ کیلومتر را دارد که سراسر زنجیره اسپراتلیس^{***} را در بر می‌گیرد.^(۱) با گزینش یک ره یافت به کلی نوین در جستجوی امنیت ملی از راه توسعه اقتصادی و تعهد سازنده یعنی

* No First Use

** منظور از خارج نزدیک کشورهای تازه استقلال یافته شوروی پیشین است.

*** Spratlys Chain

1- "China adopts a new stance", *Jane's Defense Weekly*, February 26, 1994, p. 19.

شرکت در رژیمهایی مانند پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای، کنترل تکنولوژی موشکی، پیمان منع بودن آزمایش هسته‌ای فراگیر، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و دیگر پیمانها در مقایسه با واژه‌های کمونیستی متعارف اساسی، همیشگی و آشتی ناپذیر مبارزه طبقاتی بابه اصطلاح غرب سرمایه‌داری، رهبری نوین چین بروشنی، تمرکز را بر «وابستگی متقابل» و «همکاری» تغییر داده است.

از تضاد تا همکاری

در چند سال اخیر، چین به طور گسترده با جهان خارج ارتباط برقرار کرده است. چین که تا آغاز دهه ۱۹۷۰ آشکارا منزوی بود، اکنون با بیش از ۲۰۰ کشور و منطقه روابط دیپلماتیک دارد.^(۱) با پایان یافتن دوران جنگ سرد، تعاملات ارتش آزادیبخش خلق در خارج، جهشی ناگهانی داشته است. برای نمونه دیدارهای مبادلاتی هیأت‌های ارتش آزادیبخش خلق در سال ۱۹۹۲ نزدیک به ۳۰ درصد و در سال ۱۹۹۳ نزدیک به ۲۰ درصد دیگر افزایش یافت. در شش ماه نخست سال ۱۹۹۳، ارتش آزادیبخش خلق هیأت‌های نظامی بیش از ۵۰ کشور را پذیرا شد و ۷۰ هیأت ارتش آزادیبخش خلق از کشورهای خارجی دیدار کردند.^(۲) همچنین دیدارهای رهبران و مقامات چینی از کشورهای همسایه و بر عکس شدت افزایش یافته است.

رهبری نوین جمهوری خلق چین با کنار گذاشتن شعارهای ضد سلطه جویی، بسیار می‌کوشد تا همکاری اقتصادی و نظامی گسترده خود را با روسیه و آمریکا بهبود بخشد. تجارت چین- آمریکا، که در سال ۱۹۷۲ تنها ۹۶ میلیون دلار بود و تا سال ۱۹۷۹ تنها به ۲/۳۷ میلیارد دلار رسید، در سال ۱۹۹۳ به رقم کلان ۲۷/۶ میلیارد دلار رسید. امروز، آمریکا سومین شریک تجاری چین بشمار می‌آید، و چین از سال ۱۹۹۲ در مقام هفتم بزرگترین شریکان تجاری آمریکا قرار گرفته است.^(۳) ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا در خلال دیدار اخیرش از پکن، اشتیاق شدیدی برای تقویت همکاری دفاعی با تبادل اطلاعات در زمینه موضوعاتی

1-General xu Xin, "China's defence strategy under new circumstances", *USI Journal*, Vol.CXXIV No.

516, April-June, 1994,p.170. 2- *Jane's Defense Weekly*, October 23,1993,p.9.

3- *Summary of World Broadcasts Pt. 3- Asia- Pacific*, November 7, 1994,p.G1.

همانند "برنامه‌ها، استراتژی و طراحی دفاعی" از خود نشان داد. این موضوعات تا پیش از این جزو مسائل حساس طبقه‌بندی می‌شد^(۱) دولت کلینتون نه تنها بتازگی ابراز نگرانی خود را در مورد عدم رعایت حقوق بشر در چین بسیار کاهش داده، بلکه برای منصرف کردن چین از انجام آزمایشهای هسته‌ای به این کشور پیشنهاد کرده است که در تکنولوژیهای شبیه‌سازی پیشرفته آمریکا سهیم شود.^(۲) به همین ترتیب چین با احیای روابط دیرینه خود با شوروی، در سه سال اخیر مقدار زیادی سیستمهای جنگ‌افزار پیشرفته از روسیه خریداری کرده است. بر اساس ارزیابیهای منتشره در مسکو، ارزش معاملاتی تسلیحاتی روسیه با چین در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ بین ۳ تا ۵ میلیارد دلار بوده است.^(۳)

با توجه به اینکه توان اقتصادی به عنوان بخش مهمی از تفکر امنیت ملی چین مطرح می‌شود، این کشور همچنین برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، که در آینده نزدیک شکل می‌گیرد، سخت می‌کوشد. بدین منظور، چین گذشته از اصلاح کامل سیستم و مقررات داخلی، در روابط بین‌المللی خود نیز تغییرات شگرفی انجام داده است. این کشور از بهبود روابط دیپلماتیک با آمریکا، روسیه، ژاپن، هند، ویتنام، و دیگر کشورها، همچنین آشکارا از متحدان مزاحم خود فاصله گرفته است. برای نمونه، چین که با نفوذترین متحد و دوست کره شمالی بود و روزگاری حتی برای حمایت وی به طور مستقیم با آمریکا و کره جنوبی درگیر جنگ بود بتازگی در واقع از پیونگ یانگ به دلیل برخورد با سیاستهای منع تکثیر جنگ‌افزار هسته‌ای آمریکا دست کشیده است. چین با برقراری روابط دیپلماتیک با سئول در سال ۱۹۹۲، روابط اقتصادی خود را با کره جنوبی توسعه داده است. اکنون چین، کره جنوبی را به عنوان ششمین شریک تجاری خود به شمار می‌آورد در حالی که چین سومین شریک تجاری سئول است. ارزش تجارت دو جانبه چینی‌ها با کره جنوبی در نیمه نخست سال ۱۹۹۴ به میزان ۴/۵۹ میلیارد دلار بود که نسبت به مدت مشابه آن در سال ۱۹۹۳ نزدیک به ۵۹/۵ درصد

1- "Perry broadens US dialogue with Beijing", *Jane's Defense Weekly*, November 29, 1994, p.4.

2- "US offers technology to China", *Times of India*, November 21, 1994.

3- Robert Karnoil, "China to buy Russian 'Kilo' submarines", *Jane's Defense Weekly*, Vol. 22, No. 20, November 19, 1994, p.1.

افزایش داشته است؛ در حالی که معاملات تجاری چین با کره شمالی نزدیک به ۲۱/۹ درصد یعنی به ۳۳۶ میلیون دلار کاهش یافت.^(۱) چین به عنوان بخشی از تاکتیک خود در مورد تحت فشار قراردادن مستقیم پیونگ یانگ برای پایبندی به قرارداد ژنو، که هدف آن خنثی کردن برنامه هسته‌ای کره شمالی است، اکنون برای ایجاد دورآکتور هسته‌ای آب سبک به سئول وعده داده است. تصور این مسأله همانند امضای پیمان منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (توسط چین) برای بیشتر چین شناسان امری دشوار بوده است. همچنین، در آغاز نوامبر (۱۹۹۴)، یک نمایندگی تجاری ۴۰۰ نفره کره جنوبی، به سرپرستی شخص نخست وزیر چین چریتین^(۲) همراه با ده استاندار برای امضای یک پیمان تجاری به ارزش بیش از ۶ میلیارد دلار از جمله عرضه دورآکتور هسته‌ای در چین حضور یافتند.^(۳) در دو سال اخیر، چین، روابط دیپلماتیک خود را با برونتی، هند، اندونزی، سنگاپور، کره جنوبی، و حتی ویتنام از سر گرفته و قراردادهای تجاری را با آنها به امضا رسانیده است. همچنین این کشور بتازگی قصد مهم خود را در پوشش همکاری دفاعی با دیگر همسایگان آسیایی و ورود به «تعهدهای سازنده» در «گفت و شنود امنیتی» همانند تریبون منطقه‌ای آسیا نشان داده است.

دکترین امنیت ملی - دیدگاه چین

نخست واژه "دکترین" بررسی می‌شود. واژه بد فرجامی که اغلب متخصصان نظامی در سراسر جهان آن را به کار می‌برند، هر چند در کشورهای گوناگون این واژه بر واقعیتهای اصولی متفاوتی دلالت دارد. برای نمونه در ادبیات انگلیسی غرب این تمایل وجود دارد که "دکترین" را با دیگر اصطلاحات مربوط مانند "تئوری" یا استراتژی برابر بدانند. اما هنگامی که "تئوری" در اصطلاحات ویژه‌ای تعریف می‌شود، چه در فیزیک و چه در سیاست، به عنوان مجموعه اصولی خلاصه می‌گردد که می‌توان از آنها راه‌حلهایی را برای مسایل نوینی که پیش از این مطرح نبود. استنتاج کرد،^(۴) به همین ترتیب اصطلاح "استراتژی" نیز به عنوان یک

1- "South Korea appeals to China", *International Herald Tribune*, November, 1994.

2- Jean Chretien

3- *Far Eastern Economic Review*, November 17, 1994, p. 13.

4- David Robertson, *A Dictionary of Modern Defence and Strategy*, (Europa Publications Limited, London 1987), p. 294.

صفت یا یک قید به کار می‌رود. همچنین استراتژی در عرصه نظامی در مقایسه با بیان "استراتژی اقتصادی" یا "استراتژی آموزشی" از دلالت ضمنی متفاوتی برخوردار است. در مطالعات امنیت ملی، "استراتژی" تنها یک چارچوب وسیعتر است که تمامی منابع ملی "دکترین"، و نیز همه دیگر شالوده‌های موجود برای رسیدن به اهداف امنیتی بلند مدت یک کشور را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. از سوی دیگر، دکترین طرحی بسیار کوتاه مدت تر، محدود و عملیاتی است و بیشتر جنبه غیرتئوری دارد.^(۱) دکترین مرکب از طرح‌های نسبتاً منسجم است که بر ای پاسخ‌های کوتاه، صحیح، و آماده به مسایل امنیت ملی پیش‌بینی شده، ارائه می‌گردد. با وجود این، دکترین امنیت ملی در مورد چین، برخلاف غرب، از چارچوب بسیار گسترده‌تر و ابعاد سیاسی - ایدئولوژیکی ریشه‌دار و نسبتاً قوی برخوردار است.^(۲) رهبران بسیار محبوب چین به علت داشتن تجربه تاریخی از انقلاب و نظام سیاسی کمونیستی "تمرکز گرای دموکراتیک" کشور، همواره مراکز قدرت واقعی در چین بوده‌اند. بنابراین، دکترین امنیت ملی به طور ثابت از بالاترین سطح رهبری سیاسی - نظامی خود برگرفته و تعیین شده، و در طول تاریخ بین این دو مسیر در سطح بالای رهبری چین شکاف زیادی وجود نداشته است. بنابراین، دکترین امنیت ملی در چین که از دیدگاه‌های امنیتی رهبران بزرگ خود استنتاج گردیده - به جای اینکه توسط استراتژیست‌های نظامی با غیرنظامی طراحی شده باشد کم‌وبیش به آنچه در غرب می‌تواند به خوبی به عنوان استراتژی یا حتی سیاست توصیف شود، نزدیک می‌گردد. بنابراین، اغلب ناظران غربی دکترین امنیت ملی چین، بر پیروی از این تعریف‌های ناقص و محدود غربی متمرکز می‌شوند و تنها بر توانمندی‌های کمی ضد نیروی ارتش آزادیبخش خلق تأکید می‌ورزند. آنها اغلب ابعاد سیاسی - ایدئولوژیکی نمایش‌های قدرت چین را نادیده می‌گیرند که یک جنبه حیاتی دکترین امنیت ملی آن را شکل می‌دهد.

در بررسی دیدگاه امنیتی این رهبران بزرگ باید گفت که ابعاد فرهنگ و رسوم تاریخی نیز

1- Ibid .,p. 104.

2- Air Comde. Jasjit Singh, *Modernisation of Chinese Army: Imperatives and Implications*, (Institute for Defence Studies and Analysis, New Delhi, Monograph, April, 1987),p.11.

در تفکر استراتژیکی چین بسیار عمیق است، چنانکه نقل قول معروف ابتدای مقاله از کتاب هنر جنگ سون تزو نشان می دهد، بر خلاف غرب، چینی ها در طول تاریخ به جای "ضدنیرو" بر "ندبیر جنگی" به عنوان راه حلی مطلوب برای مسایل امنیت ملی خود تأکید ورزیده اند. البته این امر تا اندازه ای به عادات و رسوم قومی تاریخی "پادشاهی دوران میانی" مربوط است. که باید منابع امنیتی خود را در بیش از یک جبهه اداره می کرد. بنابراین، نیروی نظامی همواره تنها بخشی از گستره کلی امنیت ملی آنها بوده است. بر این اساس، از زمان سون تزو، متفکران استراتژیک در چین هنگام برخورد با ضعف دشمن و برای ختنی کردن توانمندیهای او، "غافلگیری"، "نظم"، و حتی "فریب" را توصیه کرده اند. نقل قول از بخش دیگر مورد علاقه مائو از کتاب هنر جنگ سون تزو:

"تمام فنون و ریزه کاریهای هنر جنگ بر مبنای فریب و اغفال دشمن است. به همین دلیل، وقتی شما قدرتمند هستید به ضعف و ناتوانی تظاهر کنید، وقتی فعال هستید، خودتان را بی تحرک و انمود کنید، هنگامی که نزدیک هستید، کاری کنید که دشمن، شما را دور تصور کند و هنگامی که دور هستید، نزدیک بداند. باریختن دانه، دشمن را به تله بکشید.

تظاهر به بی نظمی و نابسامانی کنید و به طور ناگهانی او را درهم بکوبید."^(۱)

مائو تسه دنگ، علاوه بر استفاده از مارکسیست و فلسفه های چینی، دکترین "جنگ مردمی" خود را با تجربه های عملی خودش در جنگ انقلابی پیش از سال ۱۹۴۹ توسعه داده بود که به طور اساسی یک استراتژی برای نیروی ضعیف در برابر دشمن قوی بود. بر این اساس، دکترین های مائو بر اصول اساسی بسیج توده مردم برای نبرد در یک جنگ طولانی تأکید داشت و به برتری سیاست و نفر بر جنگ افزار اهمیت می داد.^(۲) دکترین "جنگ مردمی"

1- Cited in Swaran Singh, *Limited War: The Challenge of the US Military Strategy*, (Lancers Books, New Delhi, 1995), p.7.

2- See Mao zedong, *Six Essays on Military Affairs* (Foreign language Press, Beijing, 1972), pp.263-8; Ngoklee, *China's Defence Modernisation and military leadership*, (Australian National University Press, Sidney, 1989), pp. 139-44; Rosita Delliios, *Modern Chinese Defence Strategy: Present Development, Future Directions*, (St. Martin's Press, New York, 1990), p. 12.

او به طور عمده بر جذب تجاوز بیگانه و سپس به کارگیری حومه شهر و جمعیت انبوه برای نبرد در یک جنگ فرسایشی طولانی متکی بود. پس از مرگ مائو، دکترین او برای سازگاری با سناریوی سیاسی و تکنولوژیکی نوین پایان دهه ۱۹۷۰، تطابق بیشتری یافت و تحت رهبری دنگ این دکترین به عنوان دکترین "جنگ مردمی در وضعیت پیشرفته" دوباره تدوین شد. اما دکترین دنگ تنها نوین سازی اندیشه‌های مائو نبود، بلکه تغییر اساسی در اولویتهای چین را نشان داد. در حالی که مائو بر ایدئولوژی، انزوگرایی و خطر حتمی جنگ تأکید داشت، رژیم دنگ تأکید را بر مصلحت گرایی، فعالیت در نظام بین‌المللی، عدم احتمال یک درگیری مهم در آینده نزدیک، و هدف اصلی توسعه یک اقتصاد مدرن تغییر داد.^(۱) به عقیده پاول گادوین*، دکترین نوین که طراحی مؤثرتری را می‌طلبد، از جمله موارد دیگر بر چهار مورد زیر تأکید دارد:

نشان دادن تمایل و توانایی فزاینده چین برای استفاده از سطوح متفاوت نیروهای هسته‌ای در صورت نیاز، از جمله حملات محدود؛
 آمادگی نیروهای نظامی برای دفاع متمرکز از مناطق خاص، شهرها، و امکانات صنعتی به جای محدود بودن به عقب نشینی و متفرق شدن برای یک جنگ فرسایشی،
 ارتقای کیفی جنگ افزار و پرسنل نظامی به جای نگهداری نیروهای زمینی انبوه و مقدار فراوان جنگ‌افزار فرسوده،

توسعه توانمندی اجرای عملیات مرکب با نیروهای هوایی، زمینی، و دریایی.^(۲)
 در سناریوی نوین پس از جنگ سرد، ارتش ممکن است برای هرگونه جنگ سلطه جویانه قریب الوقوع آمادگی نداشته باشد، اما در ضمن، ارتش آزادیبخش خلق آشکارا در مسایل گوناگون امنیت ملی همواره نفوذ داشته، گذشته از اینکه نفوذ خود را در بسیاری از دیگر امور سیاست خارجی توسعه بخشیده است. کمیسیون نظامی مرکزی بتازگی دفترهای

1- Paul Humes Folta, *From Swords to Ploughshares*, (Westview Press, Boulder, 1992), p. 12.

* Paul Godwin

2-Paul H. B. Godwin, "Changing concepts of doctrine, strategy and operations in Chinese people's liberation Army, 1978-1987", *China Quarterly*, No. 112, December 1987, pp.572-3.

مجزای خود را برای "امور خارجی"، "امور تایوان"، "امور هنگ کنگ و ماکائو" دایر کرده است. بنابراین مسأله به طور اساسی همان تلفیق و یکسان سازی "وضعیت پیشرفته" تغییر یافته است در حالی که از چارچوب گسترده تر "جنگ مردمی" مائو پیروی می شود. اما برای بررسی میزان شدت این مسأله می توان گزیده ای از سخنرانی اخیر لیو هواکینگ^(۱) نایب رئیس کمیسیون نظامی مرکزی را ذکر کرد که نشان می دهد رهبر نظامی در دکتترین دفاعی "جنگ مردمی" تا چه میزان تهاجمی ظاهر شده است. لیو در سخنرانی در کنفرانس ملی آکادمی های نظامی گفت:

"امر مهم متحد کردن دوباره سرزمین چین و تایوان، یک وظیفه عادی ارتش آزادیبخش خلق چین است. دنگ گفت: "نظر به اینکه ما برادرانی از یک خانواده هستیم، چرا برخی از امتیازها را به آنها ندهیم؟ با وجود این، اگر آنها در نفاق و خیانت به وطن خود شرکت کنند، ما ناچار می شویم که از ابزار نظامی برای حل مسأله استفاده کنیم چون راه دیگری نداریم... ما بر ای رفع مسایل اتحاد دوباره در کوتاه مدت و با هزینه ای اندک از توانایی کامل و اطمینان برخورداریم. تا وقتی مسأله تایوان حل نشده و تایوان برای یک روز جدا از چین باقی بماند، این بدان معناست که ارتش آزادیبخش خلق به تعهد مقدس خود عمل نکرده است."^(۲)

"جنگ مردمی" در برابر "وضعیت جدید"

بنابراین هنوز مشخص نیست که تا چه اندازه این وضعیت تغییر یافته موفقیت اقتصادی چین، نیاز آنها را به آمادگی نظامی کاهش داده است برخی معتقدند که این توانمندی اقتصادی، خود عاملی است که ارتش چین را به طور فزاینده در امور امنیت ملی مدعی سازد. در نتیجه، منازعه بین حفظ "جنگ مردمی" به عنوان دکتترین رسمی چین و تطبیق با وضعیت جدید به خودی خود بحث تازه ای نیست.

اجلاس گسترده کمیسیون نظامی مرکزی حزب (کمونیست) در سال ۱۹۸۵ به طور کلی به عنوان نقطه عطفی برای "دگرگونی استراتژیکی" ارزیابی شد که در آن دکتترین "جنگ مردمی" سرانجام برای نخستین بار توجه به موضوع به اصطلاح "وضعیت جدید" را در اولویت قرار

1- Liu Huaping

2- Summary of World Broadcasts Pt. 3 Asia= Pacific, October 22, 1994, p. G/14.

داده زیرا رهبری، ضرورت گروهبندی دوباره، کاهش و ساده و مؤثر کردن ارتش آزادیبخش خلق را تشخیص داده بود. تجربه خود آنها در تیان آن من و کارآیی جنگ افزار پیشرفته در جنگ خلیج فارس در ترکیب با روشی که قدرتهای غربی این جنگ محلی جدید را هدایت کردند، تأثیر شدیدی بر حامیان "جنگ مردمی در وضعیت جدید" داشت و آنها را وادار کرد که یک بار دیگر نه تنها درباره توصیه‌های معین بلکه درباره تشخیص نیازهای امنیت ملی چین باز اندیشی کنند.

در نتیجه، ارتش آزادیبخش خلق، که به مجهز بودن کادر خود به دکترین‌های فرسوده و جنگ افزار مربوط به دوره حمایت شوروی در دهه ۱۹۵۰ شهرت داشت، اکنون دستخوش تغییر اساسی واقعی شده، و جنگ افزار با تکنولوژی پیشرفته و عملیات مشترک بسیار متحرک را برای یگانهای رزمی خود انتخاب کرده است که آنها را از آموزش همگانی بهره‌مند می‌سازد. ارتش آزادیبخش خلق، برنامه‌های خود را برای بهبود سیستمهای جنگ افزار موجود در داخل کشور، سرعت بخشیده، علاوه بر اینکه به بازار جهانی روی آورده، به طور مستقیم جنگ افزار تهیه می‌کند، برای نمونه، تنها در دو سال اخیر، چینی‌ها ۲۶ فروند سوخوی - ۲۷، ۶ فروند هواپیمای ایلی یوشین - ۷۶، و هشت فروند هلیکوپتر کبرا، ۴ فروند هلیکوپتر کاپووا، ۴ فروند هلیکوپتر شینوک* و نیز ده‌ها موشک سام‌زمین به‌هو از نوع پاتریوت اس - ۳۰۰ دریافت کردند. چین بتازگی برای خریداری چهار زیر دریایی دیزلی - الکتریکی از نوع کیلو، قرارداد با روسیه امضا کرده است.^(۱) تمامی این خریدهای تازه آشکار اما هیت "تهاجمی" دارد و حاکی از عملیات برون مرزی است. چین تلاشهایی را نیز برای توسعه نسل دوم موشکهای بالستیک زیر دریایی و موشکهای بالستیک میان قاره‌ای هدایت شونده** با سوخت جامد ساخت داخلی انجام داده است و بادر

* Chinook

1- Robert Karnoil "China to buy Russian 'Kilo' Submarines", *Jane's Defense Weekly*, Vol. 22 No. 20, November 19, 1994, p.1; "Sino-Russian talks on carrier-based aircraft", *International Defense Review*, September, 1994, p.13.

** موشکهای هدایت شونده با چند کلاهک هسته‌ای که به طور جداگانه قادر به هدفگیری هستند.

نظر گرفتن پیمان منع آزمایش هسته‌ای فراگیر سرعت آزمایش‌های هسته‌ای خود را برای "کوچک کردن" کلاهک‌های هسته‌ای به دلیل دقت و توان بقای آنها شتاب بخشیده است. بر اساس اظهارات منابع گوناگون غربی، هزینه دفاعی چین در خلال چهار سال گذشته نزدیک به ۶۰ درصد افزایش یافته است و به نظر می‌رسد که این کشور به عنوان بزرگترین هزینه کننده نظامی در سال ۲۰۰۲ مطرح باشد. در واقع، دفتر ارزیابی تکنولوژی آمریکا با پیگیری روندهای کنونی افزایش نیروی نظامی چین بتازگی به نتایج کم و بیش تکان دهنده‌ای دست یافته است. در یک جنگ فرضی چین - آمریکا در بیست و پنج سال دیگر به طور مکرر به اثبات رسیده است که چین تجدید حیات یافته، آمریکا را شکست می‌دهد.^(۱)

چین، همزمان با این روندهای نوین، که به عنوان یک قدرت نظامی و اقتصادی بزرگ برای قرن بیست و یکم مطرح می‌شود، جهان پس از جنگ سرد شاهد خروج اتحاد شوروی سابق و آمریکا از پایگاه‌های کاهم‌ران* و سایبیک بای* در آسیا - اقیانوس آرام بوده است که خلاء قدرت حاضر و آماده‌ای را در این منطقه ایجاد کرده است. از سوی دیگر، رونق اقتصادی چین به افزایش شدید در سطوح مصرف و اضطراش برای تأمین سوخت برنامه نوین سازی آن انجامیده است که این کشور را وادار کرده تا به اکتشاف نفت و دیگر منابع موجود در بستر دریای جنوب چین بپردازد.^(۲) این کشور که پنجمین تولید کننده بزرگ نفت است، در سال ۱۹۹۳ در حدود ۱۶ میلیون تن نفت خام وارد کرد و با توجه به نرخ رشد کنونی، چین در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون تن نفت خام نیاز خواهد داشت، مگر اینکه ذخایر نفتی انبوه تازه‌ای بیابد.^(۳) گذشته از برخورداری از منابع نفتی بالقوه، دریای جنوب چین به لحاظ راه‌های دریایی‌اش که ۸۵ درصد بازرگانی خارجی کشور از آن می‌گذرد، اهمیت دارد. بنابراین، در این برهه تاریخی، که پایان دوران جنگ سرد موجب فرسایش نسبی موقعیت دیگر قدرتهای بزرگ شده است، ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی بزرگ،

1- William C. Triplett 2nd, "Why cooperate with China's unrepentant military?" *International Herald Tribune*, September 12, 1994. * - Cahm Ran ** - Subic Bay

2- Swaran Singh, "China's shadow over the South China Sea", *Strategic Analysis*, Vol. xvii, No.8, November 1994, p. 955-969. 3- *International Herald Tribune*, October 4, 1994.

آشکارا حکمتها و تفکر سالهای جنگ سرد، آن را منسوخ و زاید کرده است، اما به علت فرهنگ کمونیستی مکتب شخصیتی آنها و نیز به دلیل بی‌ثباتیهای سیاسی رایج، اگر رهبر رهبری آشکارا حقیقت و ارزش اندیشه‌های مائوتسه‌تونگ را انکار کند، شاید نتواند در چین دوام بیاورد. اما همگان اذعان می‌دارند که تاکنون هیچ عملیات نظامی جمهوری خلق چین بر اساس دکترین‌های انقلابی مائو هدایت نشده، اگر چه "جنگ مردمی" او همچنان نمونه‌ای از تفکر استراتژیک چین است. حامیان معاصر تغییر در پیروی از پیشینیان خود نیز، نظریه‌های تازه‌ای را به همان روش پدید آورده‌اند. آنها با استفاده گزینشی اندیشه‌های مائو، کم و بیش مفهوم نوینی به مجموعه اصطلاحات و عقاید او بخشیده‌اند که نیازهای خود را در چارچوب نوین ارائه شده وفق دهند.

"دفاع فعال" در وضعیت تاریخی نوین

"دفاع فعال" مائو، که به عنوان "دفاع تهاجمی" یا "دفاع به واسطه درگیری قطعی" نیز شهرت دارد و "تهاجم تاکتیکی و دفاعی استراتژیک" را تجویز می‌کند،^(۱) می‌تواند نمونه‌ای باشد که با تعهدهای اقتصادی جهانی و نمایشهای قدرت نظامی منطقه‌ای چین تناسب کامل دارد. به نظر می‌رسد که اصل مهم "دفاع فعال" مائو بتدریج برای تخمین دکترین امنیت ملی رهبری نوین پس از جنگ سرد، تغییر مسیر داده است زیرا انعطاف پذیری در اجرای "جنگ مردمی" برای تطبیق با طرحهای سیاسی چین در قرن بیست و یکم را وعده می‌دهد. دفاع فعال، وقفه‌ای استراتژیک برای استراتژی هسته‌ای چین مبنی بر "بازدارندگی به وسیله عدم پذیرش" را می‌طلبد و اساساً از "جنگ موضعی" طرفداری می‌کند که با عملیات بسیار متحرکی پشتیبانی می‌شود که محور طرح دنگ برای میدان نبرد آینده بود.^(۲) با وجود این، بر اساس روح اصول دنگ شیائوپینگ مبنی بر "جستجوی درستی حقایق"، نظریه‌های نوین تنها نام را اقتباس کرده‌اند، حال اینکه ماهیت آنها به کلی تغییر کرده است.

دکترین "دفاع فعال"

از آغاز سال ۱۹۸۸، که زائوزیانگ دبیرکل حزب کمونیست چین، استراتژی "توسعه دور از ساحل" را مطرح کرد، تاکنون "دکترین فعال" محور اصلی بحث و مناظره بوده، و از اینرو

1- n. 22, (Mao Zedong), p. 50.

2- n. 22, (Ngok lee), p. 267.

بحث بر دو موضوع اساسی تأکید داشته است: (۱) استراتژی امنیت ملی نوین چه هدفی را باید دنبال کند، (۲) چین برای اجرای این استراتژی چه نوع از نیروهای نظامی را باید به کار گیرد.^(۱) به طور کلی، دکترین "دفاع فعال" سه نوع جنگ را در نظر دارد که چین ممکن است در آن درگیر شود: (۱) جنگ جهانی (۲) جنگ تهاجمی گسترده علیه چین از سوی یک کشور بیگانه و (۳) درگیری مرزی یا جنگ محدود.^(۲) نظر به اینکه رهبری چین انتظار ندارد که در پنجاه سال آینده دو نوع نخست جنگ رخ دهد و خود را برای رویارویی با تهدیدهای نوع سوم جنگ توانمند می‌بیند، برای نخستین بار پس از تاریخ ۱۹۴۹، یک برنامه دوران صلح دراز مدت را طرح‌ریزی می‌کند تا کشور را برای رویارویی با تهدیدهای بزرگ امنیت ملی در قرن بیست و یکم آماده سازد. اکنون، انسجام این تقویت نظامی بسیار فشرده و دراز مدت به همراه بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته با حرکت شتابان نوین سازی کلی در علم و اقتصاد چین به عنوان بخش اساسی دکترین امنیتی این کشور پس از جنگ سرد به طور مداوم مطرح شده است.

بنابر این، نخست به عنوان نماد تغییرات بنیادین، دیگر امنیت ملی چین در چارچوب ابزار نظامی صرف جستجو نمی‌شود، و حتی در عرصه عملیات نظامی، اصول محوری مائوتسه‌تونگ مانند "فرسایش"، "عقب نشینی استراتژیکی" برای "تطمیع دشمن" در این سناریوی تغییر یافته دوران پس از جنگ سرد، دیگر مؤثر به شمار نمی‌آید.

نتیجه‌گیری

دو اثر مهم، "هنر جنگ و هنر رقابت سرمایه‌گذاری مائوتسه‌تونگ" و درباره "ایدئولوژی استراتژیک دنگ شیائوپینگ"، که به تازگی از سوی مرکز نشر علوم نظامی انتشار یافته است، نشان می‌دهد که این کشور چگونه نگرش تازه همه جانبه‌ای را نسبت به ادبیات تاریخی خود آغاز کرده است، محور توجه به جستجوی امنیت ملی و صلح "به عنوان یک درونداد* متهورانه برای توسعه تغییر می‌کند."^(۳) در میان دیگر امور، این شاخص بسیار

1- Shulong Chu, "The PRC girds for limited, high-tech war", Orbis, Spring, 1994, p.187.

2- Ibid., p. 186.

*Input

3- Summary of World Broadcasts Pt. 3 Asia- Pacific, November 15, 1994, p. G/7.

روشن است که به هر ترتیب، محیط مناسب کنونی را حفظ می‌کند که برای موفقیت حرکت نوین سازی چین بسیار حیاتی است، و بتدریج در دکترین امنیت ملی پس از جنگ سرد این کشور در صدر اولویت‌ها قرار می‌گیرد.

"آیا نیروی مسلح چین میتواند در جنگ آینده پیروز شود؟" این عنوان کتاب جدید دیگری است که در واقع تیراژ محدودی داشت اما در مطبوعات غرب راه یافت. این کتاب که توسط افرادی از نیروهای مسلح چین تألیف شده است، تایوان، هنگ کنگ و ماکائو را امسایل عمده امنیت ملی چین در سالهای آینده به‌شمار می‌آورد.^(۱) این نشان می‌دهد که به‌رغم ثبات محیط خار جی کنونی، چینی‌ها انگیزه خود را برای آمادگی نظامی حفظ کرده‌اند. همچنین این امر تا اندازه‌ای در افراط و زافزون آنها برای تمرین کنترل در دریای جنوب چین نمایان است. دستیابی چین به تکنولوژی پیشرفته و بهبود ساختارهای نیروی آن، این کشور را به یک قدرت نظامی بکلی نوین تبدیل کرده است. در تابستان گذشته، یک مجله چینی به نام زنگ مینک*، به علت فاش کردن اسرار دولتی تعطیل شد. این مجله بیان کرده بود که رهبری چین برای مؤثر کردن زرادخانه‌های هسته‌ای محدود خود تصمیم گرفته است که با جنگ افزار هسته‌ای به اصطلاح هدفهای "آسیب پذیر" مانند مراکز جمعیت را هدف قرار دهد و نیز طرحهای دولت را برای ساخت ناو هواپیمابر افشا کرده بود.^(۲)

اما اکنون بسیاری از چین شناسان بر این باورند که امنیت ملی چین شاید از داخل کشور بمراتب بیشتر تهدید گردد. فراوانی افراد قدرتمند پشت پرده حزب کمونیست، کم و بیش، موقعیتی ایجاد کرده است که دنگ در سال ۱۹۷۸ به ارث برده بود. بنابراین، رساندن چین به مرحله دیگری از اصلاحات، شخص قدرتمندی همچون دنگ شیائوپینگ را می‌طلبد، اما به نظر نمی‌رسد که چنین فردی در دسترس باشد^(۳) و این مشکلات سبب شده که ارتش آزادیبخش خلق به عنوان بالاترین مدافع سیاست چین در صورت بروز هرگونه بحران امنیت

1- Ross H. Munro, "China's waxing spheres of influence" *Orbis*, Fall 1994, p. 585.

*Zhenqming

2- *Summary of World Broadcasts Pt.3 Asia- Pacific*, November, 1994 p. G/1.

3- "What next for China?", *The Economist*, October 22, 1994, p. 30.

ملی، نفوذ و قدرت هر چه بیشتری یابد.

در واقع، با توجه به نفوذ در حال رشد نیروهای مسلح، دنگ بتازگی بیانی تاریخی ایراد کرده که نشاندهنده تغییر جهت عمده از راه مائوتسه تونگ است. او خطاب به فرماندهان نظامی در شانگهای بروشنی از باور چین باستان که "قدرت از لوله تفنگ به دست می آید" روی بر تافت سخنان دنگ به صورت کتبی منتشر شد بدین مضمون که "در تمامی دور ان نیروهای مسلح باید بدون قید و شرط از رهبری حزب اطاعت کنند."^(۱) بنا بر این، اگر رهبری غیر نظامی کنونی در کنترل چین پس از دنگ موفق جهت می دهد که

باگر ایش سنتی به قدرت نظامی مقایسه می گردد اما این پرسش که چگونه و چه میزان رهبری غیر نظامی کنونی در کنترل کامل بر تصمیم گیری چین موفق خواهد بود همچنان بحث انگیز است بدین ترتیب رویدادها در ماههای آینده برای طراحی مسیر آینده جمهوری خلق چین تعیین کننده است.

1- *Summary of World Broadcasts Pt. 3- Asia-Pacific*, October 22, 1994, p. G/13.